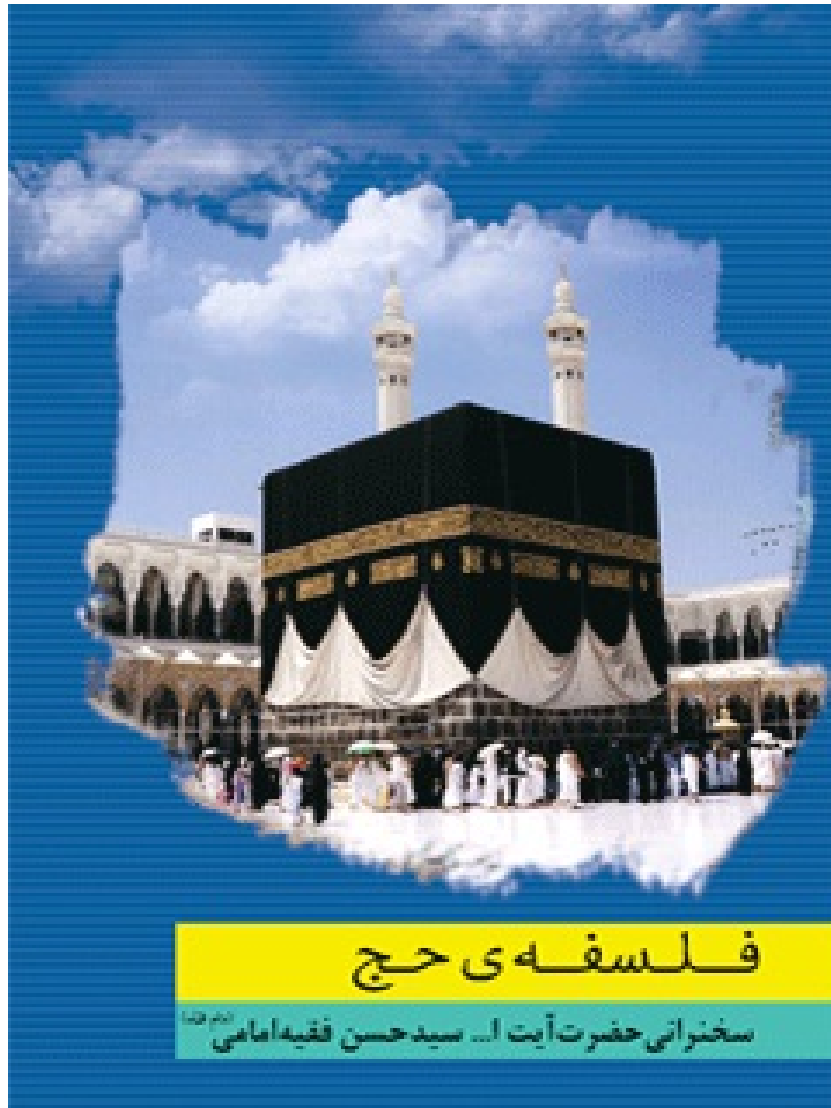


نور فاطمہ زہرا
سلام اللہ علیہا



کتابخانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه‌ی حج

نویسنده:

آیت الله سید حسن فقیه امامی (ره)

ناشر چاپی:

مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
فلسفه‌ی حج	۶
مشخصات کتاب	۶
سخنرانی ۱	۶
سخنرانی ۲	۸
پاورقی ها	۱۱
مؤسسه نور فاطمه زهرا سلام الله علیها	۱۱

فلسفه‌ی حج

مشخصات کتاب

سرشناسه: فقیه‌امامی، حسن، ۱۳۱۳- عنوان و نام پدیدآور: سخنرانی حضرت آیه‌الله حاج سیدحسن فقیه‌امامی پیرامون فلسفه‌ی حج/[حسن فقیه‌امامی]. مشخصات نشر: اصفهان: مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان، واحد تحقیقات، ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: ۴۰ ص. ۰.۴م. ۱۷×۱۱ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۲۶۹۸-۲ وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: عنوان دیگر: فلسفه‌ی حج. یادداشت: کتابنامه. عنوان دیگر: فلسفه حج. موضوع: حج. موضوع: حج -- فلسفه. رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۹/ف۷س۴ ۱۳۸۷ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷ شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۵۳۲۸۴

سخنرانی ۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدًا أَزَلِيًّا أَبَدِيَّتَهُ، وَأَيَّدِيًّا أَبَازَلِيَّتِهِ، سَرْمَدًا بِإِطْلَاقِهِ مُتَجَلِّيًا مَرَايَا آفَاقِهِ، وَ الصَّلَوةُ وَ السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ أَنْبِيَائِهِ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ وَ الْبِرَّاجِ الْمُنِيرِ سَيِّدِنَا أَحْمَدَ وَ نَبِيَّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ. بحثمان راجع به شرح خطبه حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است و رسیدیم به این جمله: «وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ» (۱) فلسفه وجوب حج، که خدا آن را واجب کرده است چیست؟ فاطمه‌ی زهرا علیها السلام یک کلمه بیشتر نفرموده‌اند: «تَشْيِيداً لِلدِّينِ» ولیکن همه‌ی مطالب در همین جمله نهفته است حالا ما مقداری راجع به فلسفه حج عرائضی را تقدیم می‌کنیم تا بعد ان شاء الله مطلبی را که بی‌بی دو عالم فرموده‌اند روشن شود. اولاً آنچه که مطالعه می‌کنیم در آیات و روایات مربوط با حج مسئله‌ی ناس مطرح است ناس یعنی مردم: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (۲) اولین خانه‌ای که برای مردم ساخته شده آن خانه ایست که در مکه بنیانگذاری شده؛ یا می‌بینیم که می‌فرماید چرا حج واجب شده است: «قِيَاماً لِلنَّاسِ» (۳) برای این که عامل خیزش و قیام مردم است؛ یا می‌فرماید: «مَثَابَةً لِلنَّاسِ» (۴) برای این که مردم بخواهند ثواب ببرند مکه محلّیست که برای دریافت ثواب است. «هُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (۵) حج و مراسم حج عامل هدایت مردم است. خلاصه هر چه که دقت می‌کنیم می‌بینیم مسئله مردم مطرح است این خانه و تمام مقرراتی که برایش وضع شده در راستای منافع مردم است مردم باید از حج استفاده کنند. یا می‌فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (۶) واجب است بر مردم که حق خدا را اداء کنند و حق خداوند متعال زیارت خانه اوست. بنابراین مردم باید از این فریضه‌ی بزرگ الهی عالی‌ترین بهره برداری را داشته باشند. یکی از خصوصیات حج این است که واقعاً حج پاک کننده انسان‌ها است. آن آدم‌هایی که سالیان دراز به گناه آلوده بوده‌اند موقعی که مکه می‌روند از بدو شروع تا آخر کار، تمام عوامل مغفرت و آمرزش گناه جمع است؛ مثلاً اولین کاری که حاجی انجام می‌دهد رسیدن به میقات است، آنجایی که باید لباس‌هایش را بکند و لباس‌های احرام بپوشد، آنجا میقات است؛ در حج جاهلی میقات مطرح نبود ولی در اسلام خدا مقرر کرده است که لباس احرام را از میقات باید بر تنشان بکنند. از حضرت رضاعلیه السلام سؤال شد در فلسفه احرام فرمودند: علّتش این است که حاجی از آن وقتی که وارد میقات می‌شود خودش را آماده می‌کند برای زیارت خانه خدا یعنی لباس کار می‌پوشد بدین مفهوم که شغل دیگری ندارد، حواس خود را از دنیا و گرفتاری‌های دیگر قطع می‌کند. ملاحظه فرمایید؛ یک پرستار یا یک طبیب زمانی که وارد بیمارستان می‌شود باید از هشت صبح مشغول شود تا دو بعدازظهر، وقتی وارد بیمارستان می‌شود یک لباس سفید به تنش می‌کند این لباس، لباس کار است یعنی دیگر از حالا تا آخر وقت من فقط و فقط باید اشتغال داشته باشم به کارهای مربوط به بیمار و بیمارستان و کارهای دیگر انجام ندهم. حاجی لباس احرام می‌پوشد که خودش را آماده کند برای زیارت خانه خدا و اشتغال به هیچ کار دیگری به جز حج پیدا نکند. چرا زمانی که می‌خواهیم به میهمانی خدا برویم باید در میقات لباس

احرام بیوشیم؟ ما بالاخره فرزندان حضرت آدم هستیم آنچه که در آدم بود در فرزندانش هم مشابه آن‌ها وجود دارد، وقتی انسان می‌خواهد به زیارت خانه خدا برود مسئله‌ی حضرت آدم برایش تداعی می‌شود که چطور جناب آدم داخل بهشت شد؛ جای به این خوبی وسایل فراهم، هوای مناسب خوراک مناسب فقط به آدم گفته‌اند اگر از این درخت استفاده کردی دیگر در بهشت نمی‌توانی بمانی، شیطان آمد و فریبش داد آدم هم نافرمانی کرد و از درخت گندم تناول نمود به مجرد این که از آن درخت خورد لباس‌های آدم و حوا فرو ریخت. آری این‌ها بالاخره به زبان فطرت آشنا بودند، حیا کردند از این که زشتی‌های بدنشان پیدا شد عبارت قرآن است که وقتی خوردند و چشیدند؛ «بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا» (۷) یعنی زشتی‌های بدنشان آشکار شد. حال چه کنند؟ این لباس اختیاری که به تنشان بوده از آن‌ها گرفته شده است ناچار از یک لباس اضطراری استفاده نمودند برگ‌های بهشت را به جای لباس به خود گرفتند. چرا این اتفاق افتاد و زشتی‌ها پیدا شد؟ بخاطر گناه ولی گناهشان ترک اولی بود، معصیت به معنای گناه کبیره یا صغیره نبود اما بالاخره خداوند زشتی‌ها را آشکار کرد. ما انسان‌ها هم لباسی داریم به نام لباس تقوا قرآن می‌فرماید: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ» (۸) اگر گناه کردیم لباس تقوا و این پوشش تقوی کنار می‌رود و این زشتی‌های ما آشکار می‌شود مثلاً وقتی عصبانی می‌شویم نباید فحش بدهیم، فحش حرام است. موقعی که انسان عصبانی می‌شود و شروع می‌کند به فحش دادن، باطن و درون انسان بوسیله‌ی فحش دادن ظاهر می‌شود معلوم می‌شود این یک آدم خوش نفس و پاکی نیست آنچه که در درونش است را بیرون می‌ریزد، این زشتی‌ها ظاهر می‌شود و تقوی از بین می‌رود. در زندگی همین طور است، انسان‌ها زمانی که تقوا دارند درونشان این امور هست امّا بروز نمی‌کند یعنی تقوی نمی‌گذارد این زشتی‌ها ظاهر بشود هنگامی که انسان بی تقوایی نمود درونش آشکار می‌شود زشتی‌ها خودنمایی می‌کنند و پرونده‌اش سیاه می‌گردد. ما هم ناچاریم همانکاری را که حضرت آدم انجام داد انجام دهیم، حضرت آدم وقتی که به این کیفیت مبتلا شد و فهمید کار خلافی کرده است شروع به گریه نمود و توبه کرد و تا آخر عمرش هم می‌گریست، یکی از بگائین عالم «یعنی کسی که زیاد گریه می‌کند» حضرت آدم بود. حالا- می‌خواهیم برویم حج، می‌خواهیم برویم خودمان را پاک کنیم، وقتی می‌رسیم به میقات دیگر رابطه‌ی ما با وطن و اولاد، با شغل و کار و کسب قطع است. تنها و تنها به یاد این هستیم که این جا با خدا ارتباط برقرار کنیم هیچ چیز دیگر از ذخائر دنیا و زر و زیور آن در اختیار ما نیست، ما هستیم و خدا وقتی به یاد این می‌افتیم که آلوده هستیم و حالا- می‌خواهیم برویم خانه‌ی خدا خجالت می‌کشیم. آدمی که مهمان است اگر چنانچه لباسش یا بدنش کثیف باشد خجالت می‌کشد به مهمانی برود، اوّل می‌رود لباس‌هایش را تغییر می‌دهد، حَمّام می‌رود نظافت می‌کند معطر می‌شود، حال مرا خدا دعوت کرده بوسیله‌ی حضرت ابراهیم: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ» (۹) ما مهمان خدائیم، می‌خواهیم برویم مهمانی امّا خجالت می‌کشیم یک عمری خودمان را آلوده کردیم حالا می‌خواهیم خودمان را پاک کنیم و با کندن لباس‌هایمان نشان می‌دهیم جریان آدم را، که وقتی حضرت آدم در اثر گناه لباس‌هایش ریخت و لباس اضطراری پوشید. خدایا! ما هم همین گونه هستیم می‌فهمیم در اثر بی تقوایی گناهانی انجام داده‌ایم و خود را رسوا نموده‌ایم حالا- لباس اضطراری می‌پوشیم که دو قطعه‌ی احرام باشد تا خودمان را پاک کنیم و همانند پدر بزرگمان اصلاح بشویم. انشاءالله این برنامه زمانی که برای ما تداعی شد به اختیار خود آن صحنه را بوجود می‌آوریم و زمینه را مساعد می‌کنیم برای توبه و سرود را آغاز می‌کنیم، سرود حاجی در موقعی که می‌خواهد به حج برود این است: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» (۱۰) یعنی خدایا دعوتمان کردی حال ما آمده‌ایم دعوت را اجابت کنیم، از این جا دیگر رابطه‌ی با خدا شروع می‌شود و مهمان خدا می‌شویم؛ لحظه به لحظه گناهان ما با اعمال حج - اگر درست به جا آوریم - تصفیه می‌شود. یک روایت دیدم که این روایت را مرحوم سید هاشم بحرانی در معالم الزلفا نقل می‌کند روایت عجیبی است من مشابه آن را ندیدم: حاجی وقتی می‌رود عرفات و غروب عرفه می‌شود مثل روزی است که از مادر متولد شده، از تمام گناهان پاک می‌شود، چه حق الله و چه حق الناس؛ حق الله مربوط به خود انسان و خدا است، و خدا هم می‌داند با بنده‌اش چکار کند. امّا حق الناس به چه منظور بخشیده می‌شود؟ در روایت دارد که خدا به گونه‌ای زمینه را مساعد می‌کند تا

حاجی به عرفات آمده مسائل حق الناس را حلّ کند تا ذمه‌اش از مردم فارغ شود، خداوند سبب سازی می‌کند که انسان پاک شود به همین خاطر است که می‌گویند: وقتی حاجی از مکه می‌آید شما اوّل کسی باشید که با او مصافحه می‌کنید زیرا تا هنوز پاک است و با مردم ارتباط پیدا نکرده شما بروید با او مصافحه کنید تا به ثواب برسید. غرض این که اوّل اثری که حج دارد پاک سازی است که کاملاً از آن موقعی که مُحرم می‌شود تا آخر اعمال تمام عوامل فراهم می‌شود برای این که این انسان پاک پاک بشود منتهی اگر خودمان حجهان را خراب نکنیم. امّا امروزه چه کارها که نمی‌کنیم!!! کارهایی که باعث می‌شود حجهان به تباهی کشیده شود، حجهان را با این همه آثار مهم و عجیبی که دارد ضایع می‌کنیم؛ مثلاً خودم در منی دیدم شخصی را که عصبانی شده بود و فحش می‌داد، - در آنجانی می‌شود فحش داد - برای این که به قول خودش دلش خالی شود، حاضر بود قیمت ده گوسفند را بدهد ولی دست از فحش دادن بر ندارد. این یک مورد است موارد متعدد دیگر هم هست که مجال ذکر آن‌ها نیست. «والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته» سخنرانی حضرت آیه الله حاج سید حسن فقیه‌امامی (مدّ ظلّه العالی) پیرامون فلسفه‌ی حج «قسمت دوم» جمادی الثانی ۱۴۲۵ ه.ق

سخنرانی ۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ حَمْدًا أَوْثَقًا بِأَيْدِيَّتِهِ، وَ أَيْدِيًّا بِأَرْزَلِيَّتِهِ، سِرِّمَدًا بِإِطْلَاقِهِ مُتَجَلِّيًا مَرَايَا آفَاقِهِ، وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ أَنْبِيَائِهِ الْبَشِيرِ الْكَافِرِ وَ السَّارِحِ الْمُتَنَبِّهِ سَيِّدِنَا أَحْمَدَ وَ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ. بحث در رابطه با شرح جملات خطبه‌ی فاطمه زهرا علیها السلام بود و رسیدیم به قسمتی که این بانوی بزرگوار اسلام پرداخته‌اند به فلسفه‌ی احکام اسلامی تا به مردم تفهیم کنند اگر قوانین و ضوابطی در اسلام است بدون حساب و کتاب وضع نگشته است این گونه نیست که بی حساب قوانینی تنظیم شده باشد تا براحتمی بشود آن را نقض کرد، چون این قوانین حکیمانه تشریع شده است به همین خاطر نقضش به دست انسان‌ها جایز نیست و لذا است که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (۱۱) قانون گذاری مختص به ذات حق است کسی حق نقضش را ندارد. فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: «وَالْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ» (۱۲) چرا خداوند همچون فریضه‌ی بزرگی، به نام حج را قرار داده است؟ زیرا دین را تشیید می‌کند، تشیید یعنی بالا بردن، وقتی یک چیزی را بخواهند رشدش دهند و از سطح زمین بالاتر ببرند می‌گویند تشیید. خداوند خواسته است تا دین مبین و حنیف را بالا ببرد یعنی جهانی کند، بدین جهت حج را قرار داده است، این حج یک عملی عبادی است که وجهی جهانی دارد، حضرت ابراهیم علیه السلام تمام مردم جهان را دعوت نموده است برای شرکت در این کنگره‌ی عظیم الهی و تقریباً از روایات این گونه فهمیده می‌شود که قوام و استواری دین به حج است، در روایت آمده: تا کعبه هست دین نیز پابرجاست. آن کسانی که می‌خواستند دین را از بین ببرند تصمیم می‌گرفتند که کعبه را خراب کنند، البتّه خدای متعال از خانه خود دفاع نمود و کسانی که قصد این خیانت را داشتند؛ «فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مِّمَّا أُكُولُ» (۱۳) مثل کاه خورد شده متلاشی و نابود کرد. موقعی که به تاریخ اسلام مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که حج در انعقاد نطفه اسلام نقش مؤثری داشته است، این مقدمه را عرض کنم: قبل از اسلام مردم جاهلی هم حج داشتند، می‌آمدند خانه خدا را زیارت می‌کردند، منتهی حج آن‌ها مثل حج ما نبود ما می‌رویم طواف می‌کنیم، نماز می‌خوانیم، استلام حجر می‌کنیم، امّا آن‌ها می‌رفتند آنجا بت می‌پرستیدند، طواف هم می‌کردند، امّا بعضی از آن‌ها با بدن عریان عریان به طواف می‌پرداختند و به جای نماز سوت و کف می‌زدند، که قرآن می‌فرماید: «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءٌ وَ تَصْدِيَةٌ» (۱۴) چند سالی از بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گذشته بود، بعضی از مردم مدینه آمده بودند برای زیارت خانه‌ی خدا و پیامبر که در شعب ابی طالب به سر می‌بردند، اجازه داشتند برای ایام حج از شعب بیرون بیایند. یعنی در آن دوران، که سه سال پیغمبر در شعب ابی طالب تحت نظر بودند، این منطقه منطقه‌ای بود حصار بسته که مخصوص حضرت ابوطالب بود، قانون آن زمان این گونه

بود تا شخصیت‌هایی که در دارالندوه شرکت داشتند هر کدام پناهگاهی دارا بودند، اگر مجرمی می‌رفت به این‌ها پناهنده می‌شد تا زمانی که در پناهگاه بود متعزّض او نمی‌شدند. یکی از آن کسانی که عضو دارالندوه بوده است حضرت ابوطالب می‌باشد، دارالندوه مثل مجلس شورای ما است، آن زمان هم مرکز شورایشان دارالندوه بوده، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در شعب ابوطالب که پناهگاهی بود زیر نظر ابوطالب آنجا زندگی می‌کردند و کسی متعرضشان نمی‌شد، مردم مکه که قصد جان پیغمبر را داشتند حضرت را آزار و اذیت می‌نمودند، پیامبر نیز پناهنده به شعب ابی طالب شدند و سه سال در آنجا زندگی سپری کردند. شعب بیابانی بود که نه آب داشت و نه آبادی، و یک منطقه لم یزرع بود، حال با چه مصیبت‌هایی یک قوت لایموتی می‌فرستادند برای آن‌ها و آنجا زندگی می‌کردند، حضرت علی علیه السلام این مدّت در شعب ابی طالب خدمت پیغمبر بودند، فاطمه زهرا علیها السلام هم در سن طفولیت نیز در خدمت پیغمبر بودند، ابوطالب هم نظارت می‌کرد. خیلی در ظرف این سه سال به پیغمبر سخت گذشت فقط در موسم حج آزاد بودند تا بیایند برای زیارت خانه خدا، در مراسم حج دیگر کسی مزاحم آن‌ها نبود پیغمبر چون موسم حج می‌رسید به خودشان اجازه می‌دادند تا از شعب ابی طالب بیرون آیند جهت شرکت در مراسم حج. وقتی که اعراب می‌آمدند منی جهت قربانی کردن، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم از فرصت استفاده می‌نمودند، و در منی حضور می‌یافتند و در عقبه که درّه‌ای بود از کوه‌های مکه، با هفت نفر از اعراب مدینه که برای زیارت خانه خدا آمده بودند ارتباط برقرار نمودند. پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله آن‌ها را به اسلام فراخواند، آن‌ها هم گرایش به اسلام پیدا کردند و در سال بعد هم عیناً همین جریان اتفاق افتاد و سال بعد جمعیت دو برابر شد، به مکه آمدند با پیغمبر اسلام بیعت نمودند و سال سوم تعدادشان به هفتاد نفر رسید و با پیغمبر اسلام در عقبه بیعت کردند و از پیغمبر دعوت کردند تا به مدینه رود، همچنین درخواست کردند یک نفر به عنوان مبلغ از طرف پیغمبر به مدینه برود تا مردم را ارشاد نماید، پیغمبر صلی الله علیه و آله هم مصعب نامی را فرستادند برای تبلیغ اهل مدینه و او هم با تلاوت قرآن مردم را دعوت به اسلام می‌کرد، ملاحظه کنید انعقاد نطفه اسلام در مدینه به برکت انجام مراسم حج بود این قضیه را در ذهن مبارکتان داشته باشید. پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در صدد این بودند تا مکه را فتح کنند، چون می‌دانستند کلید انقلاب اسلامی، مسئله‌ی فتح مکه است ده سال طول کشید و خداوند هم به پیغمبر وعده داده بود که ما تو را به مکه بر می‌گردانیم؛ قرآن کریم به این مطلب اشاره اجمالی دارد: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَيَّ مَعَادٍ» (۱۵) سال دهم از هجرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله با ده هزار نفر از مسلمین راهی مکه شدند و مکه را فتح نمودند، بدون این که خون از دماغ کسی بیاید چون خواسته‌ی پیغمبر این بود که امتیت حرم الهی حفظ شود (حال با چه زمینه سازی‌هایی پیغمبر آمدند تا وارد مکه شدند بماند) ولی مردم مکه یک جا تسلیم پیغمبر صلی الله علیه و آله شدند تا این که این آیات نازل شد: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۖ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ۚ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝۳» (۱۶) «هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسید، و می‌بینی گرایش مردم دیگر تک تک نبود بلکه گروهی وارد دین خدا می‌شوند، پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او توبه پذیر است» باز اگر ملاحظه فرمایید آن وقتی اسلام رونق می‌گیرد که مکه فتح بشود این پایگاه عظیم الهی زمینه ساز این می‌شود که این انقلاب رونق و شکل بگیرد و هر سال کنگره‌ی عظیم الهی تشکیل می‌شود تا مردم با اسلام تجدید عهد نمایند. مردم اطراف مکه هر سال در موسم حج می‌آمدند مقداری مسائل اسلامی را می‌آموختند و می‌رفتند در اطراف و اکناف جهان تبلیغ می‌کردند و واقعاً پایگاه عجیبی است. دستور هم داریم که کارهای مهم و برنامه‌های دینی خیلی خیلی عمیق باید در موسم حج انجام بگیرد این بود که جریان غدیر خم هم در ایام مراسم حج انجام گرفت، که از همه جای جزیره‌ی العرب و اطراف و اکناف برای زیارت خانه خدا آمده بودند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مجبور شدند علی علیه السلام را به امامت منسوب کنند و به برکت مراسم حج اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام انجام گرفت آن وقت از هر کجا مردم به زیارت آمده بودند پیام غدیر را به اطراف و اکناف رساندند و منتشر کردند بی جهت نیست که فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرماید: «وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ» (۱۷) الآن هم همین گونه

است اگر می‌بینیم اسلام سرپاست به برکت کنگره‌ی عظیم حج است و موجی که در دنیا ایجاد می‌کند. زمانی که می‌بینند مردم به اسلام علاقمندند می‌آیند اطراف خانه خدا و طواف می‌کنند، وقتی علاقه‌ی مردم را می‌بینند کمی دست از توطئه‌هایشان بر می‌دارند؛ همین‌طور که در جریان اربعین امسال در عراق زمانی که آمریکائی‌ها آن جمعیت عجیب و غریب را دیدند که از اطراف، سواره و پیاده با آن شور و هیجان می‌آیند برای زیارت امام حسین علیه السلام حساب کار خودشان را کردند، شکست روحی خودشان را تحمل کردند. آری این جمعیت‌ها اثرش این است وقتی که می‌بینند مردم دنیا با این هیجان از اطراف عالم می‌آیند با وسیله‌های مختلف، پیر و جوان، فقیر و غنی، عزیز و ذلیل همه‌ی طبقات جامعه به این منطقه می‌آیند و طواف می‌کنند و عشق می‌ورزند دیگر این‌ها به راحتی نمی‌توانند علیه مسلمان‌ها تصمیم بگیرند. عامل نشر اسلام مراسم حج بوده است؛ حتی حضرت صادق علیه السلام که می‌خواستند مسائل انقلاب امام حسین علیه السلام را به همه‌ی عالم منتشر کنند، زنان نوحه گر را اجیر می‌کردند و می‌فرمودند: «شما در موسم حج بیائید در منی بشینید برای امام حسین علیه السلام عزاداری کنید» این کار را می‌کردند تا پیام انقلاب امام حسین علیه السلام به برکت حاجی‌ها به تمام دنیا برسد. یک حادثه اگر در موسم حج اتفاق بیفتد حتی اگر رادیو و تلویزیون هم نباشد این خبر به طور ضرب العجل به تمام دنیا می‌رسد و مردم دنیا از مشکلات مسلمین، با خبر می‌شوند. این است که فاطمه زهرا علیها السلام گر چه حج منافع فراوانی دارد ولی حضرت روی این بُعد تکیه خاصی کردند، و این بُعد از همه ابعاد مهمتر و بالاتر است که تشییع دین است. یعنی بقاء دین به برکت مکه، و مسجدالحرام و حج، تضمین می‌شود؛ لذا کسانی که می‌خواستند اسلام را از بین ببرند کعبه را هدف قرار می‌دادند. منتهی در آن زمان یک صورت و در زمان ما به صورت‌های گوناگون دیگری بین مردم و دین فاصله می‌اندازند، آن زمان با تصمیم خراب کردن کعبه بود ولی امروز دیگر حربه‌هایشان عوض شده، الآن با این تشکیلات رسانه‌های جمعی از طریق اینترنت و ماهواره و دیگر وسائل ارتباطی، شبهاتی را بین مردم القاء می‌کنند؛ و شما می‌بینید که یک پیرمرد پس از هشتاد سال دم زدن از اسلام و تشیع تحت تأثیر این القاءات قرار می‌گیرد. و البته این مطلب را هم عرض کنم، که فکر نکنید این شبهات تازگی دارد، از قدیم الایام و از زمان انعقاد اسلام تا الآن آن‌هایی که می‌خواستند اسلام را نابود کنند آنجایی که زورشان نمی‌رسید تا با اتکاء بر قدرت اسلام را به زانو در بیاورند از طریق فرهنگی اقدام می‌نمودند، دائم شبه القاء می‌کردند بطوری که حربه‌ی اسلام را کُند کنند، شما سوره فرقان را بخوانید و ببینید در همان زمان که بر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله قرآن نازل می‌شد، یک عده آمدند به بهانه جویی و شبه القاء کردن، مردمی که آگاه بودند به مجردی که یک شبهه برایشان القاء می‌شد و سؤال پیش می‌آمد، می‌آمدند خدمت پیغمبر سؤال را مطرح می‌نمودند، حضرت هم جوابشان را می‌گفتند. تا حال یا خدا با آیات قرآنی جوابگوی این‌ها بوده یا خود پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه‌علیهم السلام، که احتجاجات این بزرگواران الآن موجود است. یعنی در حال حاضر کتابی موجود است از مرحوم طبرسی قدس سره بحث‌هایی که پیغمبر کردند با قبائل گوناگون، با مکاتب مختلف همه‌ی این‌ها موجود است؛ فکر نکنید ایرادی به اسلام وارد می‌شود که جواب نداشته باشد آنچه که شما ایراد تصور کنید و به ذهنتان بیاید، این‌ها قبلاً پیش بینی شده و جواب‌هایش داده شده است. الآن پیروان مکاتب باطله را با هر کدامشان که حرف بزیم می‌گویند من اجازه بحث ندارم، برویم نزد مُلّایی که ما داریم با او بحث کنید؛ و ای کاش ما مسلمان‌ها یاد می‌گرفتیم، اگر کسی می‌خواست با ما بحث کند و شبهه القاء کند، دستش را می‌گرفتیم می‌بردیم نزد عالمی که آگاه باشد و بتواند جواب این شبهات را بدهد. تمام این شبهات جواب دارد و آن هم جواب‌های حساب شده و منطقی، چون تکراری است و چیز تازه‌ای هم نیست این‌ها با شبهه القاء کردن، مردم را متزلزل می‌کنند. یک مقداری از سؤالاتی را که در اینترنت جمع کرده بودند را برای من آوردند، این قدر مضحک و خنده دار است که خد و حساب ندارد، آن وقت با یک چیزهای سر و ساده مسیر فکری مردم را عوض می‌کنند. من این توصیه را به شما می‌کنم، هر وقت سؤالی برایتان پیش آمد پیش خودتان نگذارید و از آدم اهل علم و دین سؤالتان را پرسید و جوابتان را بگیرید تا عقائدتان متزلزل نشود. آن‌ها در کار خودشان موفق هستند، خیلی تلاش دارند و آن قدر پول خرج می‌کنند،

آنقدر تبلیغات انجام می‌دهند، مقاله می‌نویسند سخنرانی می‌کنند، که خد و حساب ندارد تا این یک مقدار دین را از این مردم بگیرند، چون تا مردم دین دارند آن‌ها نمی‌توانند بر پشتشان سوار شوند، وقتی می‌توانند از مردم بارکشی بکنند که افکارشان را تغییر دهند، منظورم این است که خیلی باید مراقب بود. فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرمایند: خدا حج را واجب کرده است تا مسلمان‌ها از اطراف دنیا برای زیارت بیت الله الحرام بیایند، و در آنجا مردم مشکلاتشان را بگویند و سؤال‌تشان را مطرح کنند و پیام اسلام را به گوش مردم دنیا برسانند؛ این برنامه‌ها برای تقویت دین در موسم حج انجام می‌گیرد. حالا نمی‌خواهیم وارد جزئیات و فروع فلسفه‌ی حج بشوم چون بحث خیلی مفصلی دارد، ولی اجمالاً گفتیم و رد شدیم. «والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته»

پاورقی‌ها

(۱) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۲۹ ص ۲۲۳ فصل نورد فی خطبه خطبتها سیده النساء (۲) آل عمران ۹۶: «نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است؛ که پر برکت، و مایه‌ی هدایت جهانیان است» (۳) مائده ۹۷ «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (۴) بقره ۱۲۵ «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (۵) آل عمران ۹۶ (۶) آل عمران ۹۷: «و برای خدا بر مردم است که زیارت خانه‌ی او کنند، آن‌ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند» (۷) اعراف ۲۲ «فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ يَدَّتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلَّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (۸) اعراف ۲۶ «اما لباس پرهزگاری بهتر است!» (۹) حج ۲۷: «و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛» (۱۰) کافی، مرحوم کلینی ج ۴ ص ۲۴۹ (۱۱) انعام ۵۷ (۱۲) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۲۹ ص ۲۲۳ فصل نورد فی خطبه خطبتها سیده النساء (۱۳) فیل ۵ (۱۴) انفال ۳۵: «نمازشان نزد خانه‌ی خدا، چیزی جز سوت کشیدن و کف زدن نبود؛» (۱۵) قصص ۸۵: «آنکس که قرآن را بر تو فرض کرد تو را بجایگاهت باز می‌گرداند!» (۱۶) سوره‌ی نصر (۱۷) بحار الأنوار، علامه مجلسی ج ۲۹ ص ۲۲۳

نور فاطمہ زہرا
سلام اللہ علیہا



کتابخانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org